نماز جماعت

**نویسنده:**

**اسحاق دبیری**/

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | نماز جماعت |
| **نویسنده:** | اسحاق دبیری/ |
| **مترجم:** |  |
| **موضوع:** | فقه و اصول – احکام عبادات (نماز، روزه، زکات و حج) |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[**فهرست مطالب** ‌أ](#_Toc434145839)

[مقدمه 1](#_Toc434145840)

[نماز اولین فرض‌ها و واجبات دیـن مبین إسـلام بعد از شهادتین است: 11](#_Toc434145841)

[منـزلت نماز در بین دیگر عبادات 11](#_Toc434145842)

[واجب بودن نماز جماعت 12](#_Toc434145843)

[بعضى از آثار و أقوال صحابه و تابعین در وجوب نماز جماعت 13](#_Toc434145844)

[حکمت فرض شدن نماز جماعت و منافع آن: 18](#_Toc434145845)

[جزاى کسانیکه نماز جماعت را بدون عذر ترک مى‌کنند: 20](#_Toc434145846)

[بعضى از آداب رفتن به نماز جماعت: 22](#_Toc434145847)

[تعدادى که جماعت با آنها منعقد مى‌شود: 26](#_Toc434145848)

[بعضى از آداب نماز جماعت 28](#_Toc434145849)

[عذرهایى که مى‌شود با آن‌ها نماز جماعت را ترک کرد: 30](#_Toc434145850)

[فضیلت نماز جماعت: 31](#_Toc434145851)

[فضیلت نماز صبح و عشاء: 34](#_Toc434145852)

[فضیلت نماز صبح و عصر: 35](#_Toc434145853)

مقدمه

الحمد لله رب العالـمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والـمرسلين محمد بن عبدالله وعلى آله وصحبه ومن تبعه بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

باریتعالى مى‌فرماید: ﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١﴾ [الأعراف: 31].

«اى پسران آدم زینت خود را نزد هر مسجد بگیرید یعنى در هر نماز و طوافى بهترین هیئت را داشته باشید، و بخورید و بیاشامید و اسـراف و زیاده روى نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست نمى‌دارد و رفتارشان را نمى‌پسندد».

و همچنین مى‌فرماید: ﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾ [الجن: 18].

«مساجد همه براى خداى یکتاست، بنابر آن همراه خدا هیچکس دیگرى را عبادت نکنید که مسجد اختصاص به عبادت خداى یکتا دارد».

و باز باریتعالى در آیه دیگر مى‌فـرماید: ﴿لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨﴾ [التوبة: 108].

«(اى رسول خدا) هیچگاه در مسجد ضرار ایشان به نماز مایست، آن مسجد شایستگى نماز رسول خدا را ندارد، براى اینکه مسجد قباء که از نسختین روز آمدنت به مدینه بر پرهیزگارى و ترس از خـدا شالوده گذارى شده است به نماز خواندنت در آن شایسته‌تر است، زیرا در مسجد قباء مردمى  پاک و مهذب وجود دارد که خود را پاکیزه نگهداشتن، و از نفاق و بد دلى دور داشتن، و از أخلاق ناپسندیده خود را پاک ساختن، و خود را با آب شستن و وضوء و طهارت داشتن، دوست مى‌دارند، و خدا پاکیزگان را دوست مى‌دارد».

مقصود مسجد ضرار بود که منافقان آن را بنا کرده بودند([[1]](#footnote-1)).

همچنین مسجدى که بر تقوا بنا شده است مسجد رسول اللهص نیز مى‌باشد.

خداوند عز وجل بناى مساجد را براى مسلمان مشروع کرده، تا اینکه این مساجد مکان و جایگاه عباداتى که در قرآن و سنت پیامبرص وارد شده باشند، و نماز از مهمترین عبادت‌ها بعد از توحید و خداشناسى است، پس بایستى مسلمانان به نماز اهتمام بهتر و بیشترى بدهند و آن را در أوقات خود و همچنانکه خدا و رسـول اللهص أمـر فرموده‌اند بر پا کنند.

باریتعالى مى‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ [النساء: 103].

«نماز فـرض بر مؤمنان فریضه وقت دار است که نباید از وقت آن به دنبال افتد».

و از رسول اللهص سؤال شد کدام عمل نزد خدا محبوبتر است آن حضرت فرمودند: «الصلاة على وقتها»([[2]](#footnote-2)).

«نماز در وقت از همهء اعمال نزد خـداونـد محبوبتر است».

باریتعالى نماز را در مکانى مخصوص در هر شبانه روز پنج بار فرض فرمودند و آنهم مساجد مى‌باشد، پس بر مسلمانان است که این مساجد را احترام گذاشته، و در قلب خود مورد عظمت قرار داده، حق آن را بجا آورند، چنانکه باریتعالى مى‌فرماید:

﴿وَمَن يُعَظِّمۡ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقۡوَى ٱلۡقُلُوبِ﴾ [الحج: 32].

«کسی که شعائر دین خدا را عظیم و بزرگ و محترم دارد خوشا به حال او که این تعظیم نشانهء دل‌هاى با تقوا است».

رسول اللهص مردم را در بنا و ساختن مساجد تشویق نمودند.

چنانکه مى‌فرمایند: «مَنْ بنى لِلَّهِ مَسْجِدًا بنى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»([[3]](#footnote-3)).

«کسیکه مسجدى براى رضاى خدا در دنیا بسازد، خداوند براى او خانه‌اى در بهشت مى‌سازد».

آنهم براى اینکه مردم نماز خود را در آن برپا دارند و در آن به خداوند تقرب جویند و خدا را ذکر و یاد نمایند.

خداوند عز وجل مى‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ﴾ [طه: 14]. «نماز را براى یاد من بپا دار».

 و رسـول اللهص نماز جماعت را بر أمت خود در مساجـد فرض و واجب فرموده، و آنان را به آن أمر و از تخلف از آن نهى فرموده‌اند، پس نبایستى مسلمانان از اداى نماز در مساجد تهاون و کسالت و تخلف ورزیده از آن غافل باشند، و بایستى براى آخرت خود أجر و پاداش ذخیره کنند.

باریتعالى مى‌فرماید: ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ٨٩﴾ [الشعراء: 88-89].

«آنروزى که مال و فرزندان براى إنسان هیچ نفع و سودى نمى‌رساند، و تنها آنکس سـود برد که با دل، با إخلاص، و پاک از شرک و نفاق، به درگاه خدا آید».

و باید دانست که تخلف از نماز جماعت در مساجد از صفات زشت و مذموم منافقین است، چنانکه از عبدالله بن مسعودب روایت مى‌شود که: «...وما يتخلف عنها إلاَّ منافق معلوم النفاق»([[4]](#footnote-4)).

«از نماز جماعت بجز منافقى که نفاق او معلوم و آشکار است کسى دیگر تخلف نمى‌کند».

و مى‌فرماید: «إِنَّ أَثْقَلَ الصَّلاَةِ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلاَةُ الْعِشَاءِ، وَصَلاَةُ الْفَجْرِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا»([[5]](#footnote-5)).

«سختترین و سنگین‌ترین نمازها بر منافقین نماز صبح و نماز عشاء (خفتن) است و اگر مى‌دانستند چه أجر و ثواب و پاداشى در آن دو است، هر طور شده به نماز مى‌آمدند، اگرچه با خزیدن بود».

و باید مسلمان بداند که بین نماز فریضه و سنت راتبه و غیر راتبه فرق بسیار زیادى است، و فرائض را آشکار کرده، و نوافل را مخفى نماید.

رسول اللهص مى‌فرمایند: «...…… فعليكم بالصلاة في بيوتكم فإنَّ خير صلاة الـمرء في بيته إلاَّ الـمكتوبة»([[6]](#footnote-6)).

«بر شماست که در خانه‌هایتان نماز بخوانید، زیرا بهترین نماز إنسان نمازى است که در خانه مى‌خواند، بجز نمازهـاى فـرض که خواندن آن در مسجد بهتر است».

و این عام است در تمامى  نمازهاى سنت (نوافل) مگر نوافلى که از شعائر اسلام بشمار مى‌رود، مانند نماز دو عید فطر و أضحى، و نماز کسوف و خسوف، و همچنین نماز تراویح بر صحیح‌ترین أقوال علماء، که خواندن آنها با جماعت و در غیر از خانه خواهد بود.

پس اظهار فرائض در مساجد و مکان اجتماع مسلمانان خواهد بود، بر عکس نوافل و سنت‌ها، در خانه و دور از مردم بهتر است، زیرا از ریاکارى محفوظ است.

و این کتاب که آن را (نماز جماعت) نامیده‌ایم به مسلمانان فارسى زبان جهان تقدیم مى‌داریم، تا اینکه سرمشق و راهنمائى براى آنان باشد و برایشان فرض بودن نماز جماعت در مساجد آشکار و واضح با دلایل محکم از قـرآن و سنت رسول اللهص که در این کتاب ذکر کرده‌ایم قانع و مورد قبولشان واقع گردد.

و در پایان از بارى تعالى مسئلت داریم ما و شما را در خدمت به دین مبین إسلام و اتباع و پیروى سنت رسول اکرمص قولاً و عملاً و طریقتاً موفق گرداند، و این عمل ناچیز را خالصاً براى رضا و خشنودى خود قرار داده ما را أجر و پاداش نیک عطاء فرماید.

وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالـمين.

 نماز در دین مبین إسـلام مقام و منـزلت بزرگى در بین سائر عبادت‌ها را دارد، و آن ستون دین به شمار مى‌رود که دین بدون آن کامل نمى‌گردد.

باریتعالى مى‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتۡ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾ [النساء: 103].

«همانا که نماز براى أهل إیمان حکمى  واجب و لازم است».

نماز در تمامى  أدیان آسمانى سابق وجود داشته، زیرا نماز از مستلزمات إیمان مى‌باشد و در أداى آن تشویق زیادى بر زبان تمامى  پیامبران آمده، آنهم بخاطر أثر مهم و بزرگى که در تربیت و إصلاح نفس و روح، و قربت به خداوند دارد، زیرا هیچ چیز مانند نماز نفس را إصلاح و تربیت و آموزش نمى‌دهد، چنانکه پیامبر إبراهیم÷ مى‌فرماید:

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي﴾ [ابراهیم: 40].

«اى پروردگارم مرا بر پا دارنده نماز بساز و از نوادگانم کسانى را بر پا دارنده نماز فرما».

و باریتعالى در شأن پیامبرش إسماعیل مى‌فرماید:

﴿وَكَانَ يَأۡمُرُ أَهۡلَهُۥ بِٱلصَّلَوٰةِوَٱلزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِۦ مَرۡضِيّٗا ٥٥﴾ [مریم: 55].

«إسماعیل ÷ قوم و خویشان خود را به نماز و زکات أمر مى‌فرمود، و نزد پروردگارش مورد خوشنودى بود».

و باریتعالى به پیامبرش موسى÷ خطاب مى‌فرماید:

 ﴿إِنَّنِيٓ أَنَا ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدۡنِي وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ لِذِكۡرِيٓ ١٤﴾ [طه: 14].

«من هستم الله، خداى یکتا که نیست معبودى بحق مگر من، یکتائى شایسته ذات پاک یکتاى من است، و نماز را براى یاد من بپا دار».

و فرشتگان مادر عیسى÷ را ندا مى‌کنند:

﴿ يَٰمَرۡيَمُ ٱقۡنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسۡجُدِي وَٱرۡكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾ [آل‌عمران: 43].

«اى مریم فرمانبردار پروردگارت باش، و سجود و رکوع بنما همراه رکوع کنندگان یعنى عبادت خدا را بجا آور همراه عبادت کاران، نماز بخوان همراه نمازخوانان».

و عیسى÷ از نعمتى که خداوند به او عطاء فرموده است در قرآن مى‌فرماید:

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيۡنَ مَا كُنتُ وَأَوۡصَٰنِي بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱلزَّكَوٰةِ مَا دُمۡتُ حَيّٗا ٣١﴾ [مریم: 31].

«و مرا هر کجا که باشم براى جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید، و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش فرمود».

و وقتى باریتعالى از بنى‌إسرائیل عهد و پیمان گرفت یکى از مهمترین عنصرهاى آن عهد و پیمان اداى نماز بود چنانکه مى‌فرماید:

﴿ َإِذۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ لَا تَعۡبُدُونَ إِلَّا ٱللَّهَ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَانٗا وَذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَقُولُواْ لِلنَّاسِ حُسۡنٗا وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ﴾ [البقرة: 83].

«و هنگامی که عهد و پیمان از بنى إسرائیل گرفتیم که بندگى منمائید مگر خداى یکتا را، و با پدر و مادر نکوکارى کنید، و خویشاوندان را مدد کارى، و یتیمان را سرپرستى و نگهدارى کنید، و مسکینان و افتادگان را دستگیرى کنید، و با زبان خوش با مردم سخن بگوئید مردم را به أمر بمعروف و نهى از منکر به خوبى وادارید و نماز را بر پا دارید، و زکات مال خود را بدهید».

و باریتعالى پیامبر محمد را خطاب مى‌فرماید:

﴿وَأۡمُرۡ أَهۡلَكَ بِٱلصَّلَوٰةِ وَٱصۡطَبِرۡ عَلَيۡهَاۖ لَا نَسۡ‍َٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ ١٣﴾ [طه: 132].

«تو أهل بیت خود را به نماز أمر کن، و خود نیز بر نماز حق صبور باش، ما از تو رزق و روزى کسى نمى‌طلبیم بلکه ما بتو روزى میدهیم، و فرجام نیک براى پرهیزکارى و ترس از خداست».

بلى نماز ستون إسلام است که بین بنده و خدا ارتباط ایجاد مى‌کند، و این دلیل محبت خداوندى و شکر نعمت اوست، و آن حد فاصل و تشخیص دهنده حقیقى بین مؤمن و کافر است، چنانکه رسول اللهص مى‌فرماید:

«الْعَهْدُ الَّذِى بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ الصَّلاَةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ»([[7]](#footnote-7)).

«عهد و پیمانى که بین ما مسلمانان و کافران است أداى نماز مى‌باشد، و کسیکه نماز را ترک کند کافر شمرده مى‌شود».

بلى کسیکه از نماز خواندن کوتاهى کند در بقیه أرکان إسلام بیشتر کوتاهى خواهد کرد، و تمامى  ارتباط او به خدا منقطع خواهد شد.

خلیفه راشد أبوبکر الصدیقس مى‌فرماید:

«اعلموا أنَّ أهم أمـركم عنـدي الصـلاة فمن ضيعها فهو لغيرها أضيع، واعلموا أنَّ لله عملاً في الليل لا يقبله في النهار، وعملاً في النهار لا يقبله فى الليل»([[8]](#footnote-8)).

«بدانید که مهم‌ترین أمور شما نزد من نماز است، و کسی که نماز را ضایع کرده آن را بجا نیاورد، کارهاى دیگر را بطریق اولى انجام نخواهد داد، و بدانید که براى خداوند اعمالى در شب است که انجام آن را در روز قبول نمى‌کند، و اعمالى در روز است که انجام آن را در شب قبول نمى‌کند».

و در شرح و تفسیر این حکمت آمده که آن أعمال نماز است.

پس کسی که به نماز اهانت کرده و تکبر ورزد، مانند اینکه به دین مبین إسلام اهانت ورزیده و نصیب او از إسلام بقدر نصیب او از أداى نماز مى‌باشد، و شوق و میل او به إسلام به اندازه شوق و میل او در أداى نماز مى‌باشد، پس بر حذر باش که خدا را ملاقات کنى و ارزشى از دین مبین إسـلام در قلب تو نباشـد، زیرا ارزش إسلام در قلب تو به اندازهء ارزشى است که نماز در زندگى و قلب تو دارد.

 نماز اولين فرض‌ها و واجبات ديـن مبين إسـلام بعد از شهادتين است:

 گواهى دادن که خدائى بحق جز خداى یکتا نیست، و گواهى دادن به اینکه محمدص رسول و فرستاده خداست.

رسول اللهص در مکه سیزده سال مردم را به یکتا پرستى و توحیـد دعـوت فرمود، و از بت پرستى و شرک به خدا نهى کرد، و وقتى مسلمانان در روح و جان ایشان عقیده توحید و یکتا پرستى مستقر و محکم و ثابت گردید، و إیمان کامل به خدا و رسول خداص آوردند، خداوند نماز پنجگانه را بر مسلمانان فرض نمود، و رسول اکرمص سه سال قبل از هجرت به مدینه آن را در مکه أدا مى‌کردند.

منـزلت نماز در بين ديگر عبادات

 و چون نماز امتیاز و شأن و ویژگى خاص و مهمى  در بین سائر عبادات داشت خداوند آن را بدون واسطه و میانجى در شب إسراء و معراج با مخاطب قرار دادن مستقیم رسول اللهص بر او و امتش فرض گرداند.

و به این خاطر بود که رسول اللهص وقتى أمر مهم و یا حادثه اى رخ مى‌داد مانند خسوف([[9]](#footnote-9)) ماه و کسوف([[10]](#footnote-10)) آفتاب بلا فاصله به اداى نماز بر مى‌خواستند، تا اینکه رحمت خداوندى شامل حال آن‌ها شده و مشکل آن‌ها حل شود، پس ما باید به رسول اللهص اقتداء و تأسى کنیم و آن عمل را انجام دهیم.

واجب بودن نماز جماعت

 نماز جماعت بر مردان در حال سفر و حضر (مقیم بودن)، داشتن امنیت، و در حال ترس و خطر، در همهء این حالت‌ها واجب عینى است.

باریتعالى مى‌فرماید: ﴿وَإِذَا كُنتَ فِيهِمۡ فَأَقَمۡتَ لَهُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَلۡتَقُمۡ طَآئِفَةٞ مِّنۡهُم مَّعَكَ وَلۡيَأۡخُذُوٓاْ أَسۡلِحَتَهُمۡۖ فَإِذَا سَجَدُواْ فَلۡيَكُونُواْ مِن وَرَآئِكُمۡ وَلۡتَأۡتِ طَآئِفَةٌ أُخۡرَىٰ لَمۡ يُصَلُّواْ فَلۡيُصَلُّواْ مَعَكَ وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ وَأَسۡلِحَتَهُمۡ﴾ [النساء: 102].

«و هرگاه در میان جماعت حاضر بودى یا رسول الله و شما ترس دشمن داشتید، و نماز را براى جماعت به پا داشتى، باید گروهى پشت سر تو به نماز بایستند، و گروهى به دنبال ایستند، و آن گروهى که پشت سر تو هستند سلاح خود را بگیرند با خود، وقتى که اینان به سجود رفتند و مشغول نماز بودند، آن طائفه دیگر از پشت شما پاسبانى شما کنند، و این طائفه که پشت سر تو هستند بروند براى پاس زدن، و آن گروه که پاس مى‌زدند بیایند و با تو نماز بخوانند، و پرهیز و احتیاط از دست ندهید، و سلاح با خود بگیرید تا آنکه از نماز فارغ شوید».

و در این جا خداوند به پیامبرص امر مى‌کند، و امر به رسول اللهص به معنى امر به او و به أمت اوست، اگر آن امر دلالت خصوصیت به رسول اللهص نداشته باشد، پس این آیه دلیل بر واجب بودن نماز جماعت است، و اجازه ترک نماز جماعت در حال جنگ هم به ایشان نداد.

باریتعالى مى‌فرماید:

 ﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ٤٣﴾ [البقرة: 43].

«نماز را بر پا بدارید، و زکات را بدهید، و نماز خود را با نماز گزاران انجام دهید».

و این آیه بر واجب بودن نماز جماعت دلالت مى‌کند، و اگر مقصود فقـط اقامت نماز بـود در آخر آیه ذکر: ﴿وَٱرۡكَعُواْ مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ﴾ نمى‌آمد زیرا در أول آیه امر به إقامت نماز شده بود.

بعضى از آثار و أقوال صحابه و تابعين در وجوب نماز جماعت

 از أبى هریرهس روایت است که رسول اللهص فرمودند:

«وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ بِحَطَبٍ فَيُحْطَبَ، ثُمَّ آمُرَ بِالصَّلاَةِ فَيُؤَذَّنَ لَهَا، ثُمَّ آمُرَ رَجُلاً فَيَؤُمَّ النَّاسَ، ثُمَّ أُخَالِفَ إِلَى رِجَالٍ فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ»([[11]](#footnote-11)).

«بخدائیکه جان من در دست اوست تصمیم گرفتم هیزم جمع کرده، سپس دستور دهم تا اینکه أذان بگویند، سپس مردى را به إمامت واگذارم و بطرف مردانى روم که به جماعت حاضر نشده‌اند، و خانه‌هایشان را بر آنان آتش زنم».

و از أبى هریرهس روایت است: «أَتَى النَّبِىَّص رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِى قَائِدٌ يَقُودُنِى إِلَى الْمَسْجِدِ. فَسَأَلَ رَسُولَ اللَّهِص أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّىَ فِى بَيْتِهِ فَرَخَّصَ لَهُ فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ فَقَالَ: هَلْ تَسْمَعُ النِّدَاءَ بِالصَّلاَة. فَقَالَ نَعَمْ. قَالَ فَأَجِبْ»([[12]](#footnote-12)).

«مرد نابینائى نزد رسول اللهص آمد و گفت: کسى ندارم که مرا به مسجد برساند و از آنحضرت إجازه خواست تا در خانه‌اش نماز بخواند، آنحضرت به او إجازه داد و وقتى آن مرد از آن‌جا دور شد و رفت او را صدا کرد و فرمود: آیا أذان را مى‌شنوى؟ جواب داد بلى، فـرمود: پس جواب أذان را بده، یعنى نماز را با جماعت أدا کن».

و أحادیث خیلى زیادى در وجوب نماز جماعت در مسجد وارد شده که ما به این چند حدیث اکتفا مى‌کنیم

 از أمیرالمؤمنین عمر بن الخطابس روایت است که گفت: «ما بال أقوام يتخلفون، يتخلَّف بتخلّفهم آخرون، والله لقد هممت أن أرسل إليهم فيجأ في أعناقهم ثم يُقال: اشهدوا الصلاة»([[13]](#footnote-13)).

«چرا و براى چه افرادى از حضور جماعت تخلف مى‌کنند، و به خاطر تخلف آنان، دیگران نیز تخلف مى‌کنند، به خدا سوگند که تصمیم گرفتم بر آنان مردانى بفرستم تا به گردنشان بزنند وبه آن‌ها بگویند: به نماز جماعت حاضر شوید».

و همچنین براى أمراء و فرمانداران شهرها نوشت: «إنَّ أهم أمركم عندي الصلاة فمن حفظها فقد حفظ دينه، ومن ضيّعها فهو لما سواها أضيع، ومن الـمحافظة عليها أداؤها جماعة في الـمسجد، وفي رواية: ولا حظ في الإسلام لـمن ترك الصلاة»([[14]](#footnote-14)).

«مهمترین أمور شما نزد من نماز است، پس کسی که آن را حفظ کند دین خود را حفظ کرده، و کسی که آن را ضایع کند، ضایع کردن چیزهاى دیگر براى او آسان تر است، و از محافظت کردن آن این است که نماز با جماعت و در مسجد خوانده شود و در روایتى: و هیچ بهره و نصیب و خوش بختی در إسلام نیست، براى کسی که نماز را ترک کند».

أبوهریرهس مى‌گوید:

«لأن يمتلئ أذن ابن آدم رصاصاً مذاباً خيرٌ له من أن يسمع الـمنادي ثم لا يجبه»([[15]](#footnote-15)).

«اگر گوش بنى‌آدم پر از سرب ذوب شده گردد بهتر است از اینکه صداى مؤذن را بشنود ولى آن را إجابت نکند».

از عبدالله بن عباسب سؤال شد:

مردى است که شب را به عبادت و نماز مى‌گذراند، و روز را به روزه، ولى نماز جماعت و جمعه حاضر نمى‌شود

جواب داد: او در جهنم خواهد بود، و بار دیگر بعد از یک ماه از او همین سؤال شد، بار دیگر همان جواب را داد).

عبدالله بن مسعود و أبو موسى الأشعرىب مى‌گویند: «من سمع الـمنادي ثم لم يجبه من غير عذر فلا صلاة له»([[16]](#footnote-16)).

«کسی که أذان را بشنود ولى جواب آن را ندهد و به نماز جماعت نرود در حالیکه هیچ عذرى ندارد نماز او صحیح نیست».

على بن أبی طالبس مى‌گوید:

«مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يَأْتِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إلَّا مِنْ عُذْرٍ» ([[17]](#footnote-17)).

«کسی که أذان را بشنود ولى به مسجد نیاید، نماز او از سرش بالاتر نمى‌رود، یعنى نماز او قبول نمى‌شود مگر اینکه عذر داشته باشد».

على بن أبی طالبس مى‌گوید: «لاَ صَلاَةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلاَّ فِى الْمَسْجِدِ. فَقِيلَ لَهُ: وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ؟ قَالَ: مَنْ سمع النداء»([[18]](#footnote-18)).

«همسایه مسجد نماز او صحیح نیست مگر در مسجد است، گفته شد: اى أمیر المؤمنین همسایه مسجد چه کسى است؟ فرمود: کسى که أذان را بشنود همسایه مسجد است».

عطاء بن أبى رباح و أبو ثور رحمة الله عليهم مى‌گویند: «حضور نماز جماعت فرض است»([[19]](#footnote-19)).

إمام شافعى/ مى‌گوی:

«فلا أرخص لـمن قدر على صلاة الجماعة في ترك إتيانها إلاَّ من عذر»([[20]](#footnote-20)).

«کسیکه مى‌تواند به نماز جماعت حاضر شود إجازه تخلف از نماز جماعت به او نمى‌دهم، مگر اینکه عذر داشته باشد».

إمام خطابى/ گوید:

«حضور نماز جماعت در مساجد واجب است، زیرا اگر سنت بود عبدالله بن أم مکتوم که نابینا بود أولى‌تر بود که از آن تخلف کند، و همچنین براى کسانیکه ضعیف و نابینا هستند مانند او واجب است».

عطاء بن أبی رباح گوید:

«فليس لأحد من خلق الله في الحضر والقرية رخصة في أن يدع الصلاة»([[21]](#footnote-21)).

«رخصتى براى هیچ کس از بشر نیست، چه کسى که مقیم باشد، و چه کسى که در قریه (مسافر) باشد از نماز جماعت تخلف کند».

إمام الأوزاعى/ گوید:

«هیـچ گناهى بعد از شرک به خـدا بزرگتر از تأخیر نماز از وقت خود، و کشتن مؤمنى بغیر حق نیست».

حكمت فرض شدن نماز جماعت و منافع آن:

 هیچ شکى نیست که دین مبین إسلام دینى است که مردم را به تضامن، و پیوستگى، و تآلف، و محبت، و ترابط، و أخوت و برادرى با هم، دعوت مى‌کند.

پس خداوند متعال براى زنده کردن چنین چیزها و تقویت آن بعضى از عبادتها را بر بندگان خود فرض و واجب فرموده که از جمله این عبادت‌ها نماز جماعت مى‌باشد، و آنهم در هر شبانه روز پنج بار با برادران مسلمان خود در مسجد کنار هم و پشت سر هم ایستاده و با خداى خود ذکر و مناجات مى‌کنند و در مسجد با همدیگر ملاقات کرده، روابط برادرانه را محکمتر و استوار مى‌سازند، در اینجاست که برادران مسلمان احساس همدردى مى‌کنند، و مى‌دانند که هدف آنان یکى است و آنهم رضا و خوشنودى باریتعالى است.

و در برابر خدا با خشوع و خضوع کامل ایستاده و با او مناجات مى‌کنند، و هیچ فرقى بین فقیر و ثروتمند، و أمیر و مأمور، و جاهل و نادان، و دانشمند نخواهد بود، بلکه همگى در یک صف ایستاده‌اند.

این باعث مى‌شود که برادران مسلمان با هم ألفت و مودت بگیرند و از حال مادى و معنوى همدیگر با خبر شوند، و باعث رفع بسیارى از مشکلات نیز خواهد بود، و این اجتماع است که باعث سربلندى و عزت إسلام در جامعه بشرى خواهد بود.

باریتعالى مسلمانان را خطاب مى‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱرۡكَعُواْ وَٱسۡجُدُواْۤ وَٱعۡبُدُواْ رَبَّكُمۡ وَٱفۡعَلُواْ ٱلۡخَيۡرَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ۩ ٧٧ وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيۡكُمۡ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ٧٨﴾ [الحج: 77-78].

«اى مردمی که إیمان آورده اید به نماز ایستید و براى خداى یکتا رکوع و سجود بجا آورید، و پروردگارتان خداى یکتا را نه غیر او را عبادت کنید، و کارهاى خیر انجام دهید تا رستگار شوید، و در راه خدا جهاد کنید آنچنانکه شایسته جهاد در راه او است جهاد با دشمنان خدا، جهاد به نفس و هوى، جهاد با شر و فساد براى اینکه خداى متعال شما مسلمانان را براى این مسئولیت بزرگ برگزید و دینى به شما سپرد که موافق فطرت و سرشت آدمى  است، و از همه طرف رحمت خدا با آن همراه است، و در آن هیچ نوع سختى فوق طاقت نیست دین پدرتان إبراهیم است دین توحید و یکتاپرستى است که از عهد إبراهیم÷ تا خاتم الأنبیاء بهم متصل است، خداى یکتا، شما أمت محمدص را مسلمان نامید تا دل و روى را بخدا تسلیم کنید، که أمت مسلمان بر یک راه راست است، این أمانت عظیم که بشما سپرده شد تا پیغمبر خدا محمدص گواه بر این أمت باشد، و راه سلوک أمت را تعیین فرماید، و شما أمت محمد بر همه مردم گواه باشید، راه راست و سلوک صحیح را براى جهانیان تعیین کنید شما أمت محمد قیم و سرپرست و راهنـماى جهانیان هستید، و نماز بپا دارید، و زکات را بدهید، و اعتصام و اعتماد بر خداى یکتا داشته باشید، تا او تعالى دوست و یارى دهنده شما باشد، که خداى متعال چه دوست خوب، و چه یارى دهنده خوبى است، سبحانه و تعالى».

نماز جماعـت در إسـلام براى از بین بردن فاصله‌هاى طبقاتى در جامعه مى‌باشد، چه از نظر نـژاد پرستى و قومیت، و چـه از نظر سیاه و سرخ بودن.

همچنین اجتماع مسلمانان در مسجد براى نماز جماعت باعث مى‌شود خداوند برکات و رحمات خود را بر آنان نازل فرماید.

جزاى كسانيكه نماز جماعت را بدون عذر ترک مى‌كنند:

 نماز جماعت مزیت مهمى  در جامعه إسلامى  دارد، و نباید در أداى آن تهاون و تساهل و کسالت ورزید، و چنانکه از أحادیث زیر واضح است عدم حضور جماعت باعث عدم قبول نماز او مى‌شود، و معلوم است کسیکه نماز او کامل نیست به بقیه أعمال و کردار او نگاه نمى‌شود.

عبدالله بن عباسب روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند:

«مـن سمع الـمنادى فلم يمنعه مـن اتباعه عذر - قالوا: وما العذر؟ - قال خوف أو مرض لم تقبل منه الصلاة التي صلّى»([[22]](#footnote-22)).

«کسیکه أذان را شنید و در إجابت کردن آن عذرى او را منع نکرد، گفتند عذر مانند چه؟ فرمود: مانند ترس از دشمن، و یا مرض؛ نماز او قبول نمى‌شود».

یعنى نمازى که در خانه مى‌خواند از او قبول نمى‌شود.

همچنین در حدیث دیگرى روایت مى‌کند که آنحضرتص فرمودند:

«من سمع النداء فلم يأته فلا صلاة له إلاَّ من عذر»([[23]](#footnote-23)).

«کسی که أذان را بشنود ولى به نماز جماعت حضور نیابد نماز از او قبول نمى‌شود، مگر اینکه عذر داشته باشد».

و از أبى الدرداءس روایت است که فرمود از رسول اکرمص شنیدم که مى‌فرمود:

«ما من ثلاثة في قرية ولا في بدو لا تقام فيهم الصلاة إلاَّ قد استحوذ عليهم الشيطان فعليكم بالجماعة فإنَّما يأكل الذئب من الغنم القاصية»([[24]](#footnote-24)).

«هر سه نفرى که در قریه و یا بادیه نشینى باشند و نماز جماعت را بر پا نکنند، کسانى هستند که شیطان بر دل آنان سخت إحاطه کرده، پس بر شماست که به جماعت حاضر شوید، زیرا گرگ همیشه گوسفندى را که از چوپان دور شده مى‌خورد».

 بعضى از آداب رفتن به نماز جماعت:

 مستحب است براى کسی که از خـانه خارج شده و به نماز جماعت مى‌رود با وضوء باشد خداوند مى‌فرماید:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: 222].

«همانا که خداوند توبه کاران را دوست مى‌دارد، و پاکیزگان را دوست مى‌دارد».

 وقتى بطرف مسجد مى‌رود دست‌هاى خود را به داخل هم گره نزد.

رسول اللهص مى‌فرماید:

«إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ خَرَجَ عَامِدًا إِلَى الْمَسْجِدِ فَلاَ يُشَبِّكَنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ فَإِنَّهُ فِى صَلاَةٍ»([[25]](#footnote-25)).

«اگر یکى از شما وضوء گرفت و آن را کامل و تمام کرد سپس بقصد مسجد براى نماز بیرون رفت، بین دو دست خود گره نزند، یعنى داخل هم نکند، زیرا او در حالت اداى نماز مى‌باشد»([[26]](#footnote-26)).

مستحب است در حال رفتن به نماز نظیف و پاکیزه بوده خود را شیک کند، زیرا إسلام توصیه مى‌کند به اینکه مسلمان باید منظر او زیبا بوده و از منظر زشت و ناپسند و پلید دورى کند و زیور و زینت دادن خود جزئى از آداب نماز مى‌باشد.

باریتعالى مى‌فرماید:

﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١﴾ [الأعراف: 31].

«اى فرزندان آدم در مقام عبادت لباس زینت بپوشید، از نعمت‌هاى خدا بخورید و بیاشامید، و اسراف مکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمى‌دارد».

رسول اللهص به مسلمانان این آداب را آموزش مى‌دادند، و به آنان توصیه مى‌فرمودند تا به این آداب عمل کنند و در هیئت و مظهر خود زیبا باشند.

و آنحضرتص مى‌فرمایند:

«لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنًا ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِص: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبْرُ مَنْ بَطَرَ الْحَقَّ وَغَمَصَ النَّاسَ»([[27]](#footnote-27)).

«کسی که در قلب او مثقالى از یک انـدک از کبر و غرور باشد وارد بهشت نمى‌شود، یکى از یاران سؤال کرد: اى پیامبر فردى دوست دارد لباس او خوب و زیبا باشد، و همچنین کفش و پاپوش او زیبا و قشنگ باشد! آن حضرت فرمودند: خداوند زیبا و قشنگ است، و زیبائى و قشنگى را دوست دارد، کبر و غرور نا خوش نودى و عدم رضایت از حق و تحقیر مردم و ناچیز شمردن مردم است».

پس ظرافت و لطافت و زیبائى، و عـدم اسراف و تکلف در آن، و حسن منظر، از آداب إسلام مى‌باشد.

همچنین از آداب رفتن به نماز است که انسان از تمامى  عیب‌ها دور بوده خوش بو و دندان‌هاى خود را مسواک بزند.

از أبى هریرهس روایت است که رسول الله فرمودند:

«لَوْلا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي لأَمَرْتُهُمْ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلاةٍ»([[28]](#footnote-28)).

«اگر ترس از این نبود که بر أمت من مشقت و سختى وارد شود، به آن‌ها أمر مى‌کردم تا در نزد هر نماز دندان‌هاى خود را مسواک بزنند».

و بر إنسان است که از بوهاى بد و ناپسند خوددارى کرده دورى جوید، زیرا دین مبین إسلام کسانى را که پیاز و سیر و یا کرّات و تربچـه بودار خورده‌اند از دخول به مسجد نهى مى‌کند تا اینکه فرشتگان و بردران نمازگذار آن‌ها از بوى بد و ناپسند آنان آزار و أذیت نبینند.

از جابر بن عبداللهس روایت است که رسول اللهص فرمودند:

«من أكل ثوماً أوبصلاً فليعتزلنا وليعتزل مسجدنا وليقعد في بيته»([[29]](#footnote-29)).

«کسی که سیر و یا پیاز خورده از ما و از مسجد ما کناره گیرى کرده و در خانه‌اش بنشیند».

و از این بوهاى بد و ناپسند کشیدن سیگار، و چپق، و غلیان است که بوى بد آن از دهان و لباس آن أشخاص بر مى‌خیزد، پس از این کار حرام و بد و ناپسند دورى جوئید، زیرا فرشتگان و مردم از بوى بد آن اذیت وآزار مى‌شوند.

از آداب رفتن به نماز است اینکه اگر اقامه گفته شد باید فرد آرامش خویش را حفظ نماید و در رفتن شتاب نکند.

از أبى هریـرهس روایت است که رسول اللهص فرمودند:

«إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلاَةُ فَلاَ تَأْتُوهَا تَسْعَوْنَ، وَأْتُوهَا تَمْشُونَ وَعَلَيْكُمُ السَّكِينَةُ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتِمُّوا»([[30]](#footnote-30)).

«چون نماز اقامه گردید با شتاب به سوى نماز نروید، بلکه با آرامش بروید، پس آنچه از نماز دریافتید بخوانید، و آنچه از شما فوت شد بعد از سلام تکمیل کنید».

همچنین از آداب رفتن به مسجد خواندن أوراد و أذکار وارده در سنت پیامبرص مى‌باشد که مى‌توانید به کتاب أذکار و أوراد مراجعه کنید([[31]](#footnote-31)).

و وقتى به مسجد رسیدید پاى راست خود را جلو کرده این دعا را بخوانید:

أولاً: صلوات و درود بر محمدص فرستاده سپس بگوئید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى ذُنُوبِى وَافْتَحْ لِى أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ».

«بار الهى گناهان مرا ببخش و درهاى رحمت خود را بر روى من باز فرما».

و وقتى از مسجد خارج مى‌شوید پاى چپ خود را جلو کرده و صلوات بر محمدص فرستاده بگوئید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى وَافْتَحْ لِى أَبْوَابَ فَضْلِكَ».

«بار إلهى گناهان مرا ببخش و درهاى فضل و فضیلت خود را بر روى من باز فرما».

و وقتى به مسجد داخل شدید با صداى بلند سلام کرده و قبل از نشستن دو رکعت نماز تحیه مسجد بخوانید.

رسول اللهص مى‌فرماید: «إِذا دَخَلَ أحدُكم الـمسجدَ فليركّعْ ركعتين قبل أن يجلسَ»([[32]](#footnote-32)).

«هنگامى  که یکى از شما داخل مسجد شد دو رکعت نماز قبل از اینکه بنشیند بخواند».

و بعد از آن در صف أول و دست راست إمام اگر امکان پذیر بود بدون ایجاد مزاحت براى مردم بنشیند، چنانکه رسول اللهص مى‌فرماید:

«إن الله وملائِكَتَهُ يصلُّونَ على مَيَامِن الصُّفُوفِ»([[33]](#footnote-33)).

«خداوند و فرشتگان او براى کسانیکه در دست راست إمام هستند طلب مغفرت مى‌کنند».

سپس به ذکر خدا و تلاوت قرآن مشغول شده تا اینکه وقت أداى نماز برسد.

 تعدادى كه جماعت با آنها منعقد مى‌شود:

 قبلاً بایستى ذکر کنیم که نماز جماعت بر چه کسى واجب است:

نماز جماعت بر مردى که آزاد بوده، برده نباشد، و هیچ عذر شرعى در عدم حضور او به جماعت نداشته باشد واجب است.

أما تعدادى که جماعت با آن‌ها منعقد مى‌گردد دو نفر مى‌باشد، یکى إمـام، و دیگرى مأموم، و هرچه تعداد أشخاص زیادتر شود آن نماز نزد خداوند محبوبتر خواهد بود، رسول اللهص مى‌فرماید:

«صَلاَةُ الرَّجُلِ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكَى مِنْ صَلاَتِهِ وَحْدَهُ، وَصَلاَتُهُ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكَى مِنْ صَلاَتِهِ مَعَ رَجُلٍ، وَمَا كَثُرَ كَانَ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»([[34]](#footnote-34)).

«نماز یک فرد با دیگر از نماز او به تنهائى بهتر است، و نماز او با دو نفر از نماز او با یک نفر بهتر است، و هرچه تعداد نمازگذاران بیشتر باشد نزد خداوند آن نماز محبوبتر خواهد بود».

و اگر یکى از جماعت‌هاى دو نفره بچه و یا زن باشد، جماعت نیز بر پا مى‌شود، و آن را جماعت مى‌گویند.

عبدالله بن عباسب روایت مى‌کند:

«بِتُّ عِنْدَ خَالَتِى فَقَامَ النَّبِىُّص يُصَلِّى مِنَ اللَّيْلِ، فَقُمْتُ أُصَلِّى مَعَهُ فَقُمْتُ عَنْ يَسَارِهِ، فَأَخَذَ بِرَأْسِى فَأَقَامَنِى عَنْ يَمِينِهِ»([[35]](#footnote-35)).

«شبى نزد خاله‌ام میمونه خوابیدم([[36]](#footnote-36)) و رسول اللهص براى خواندن نمـاز تهجد یعنى سنت شب بلند شد من هم بلند شدم تا با او نماز بخوانم، و در دست چپ او ایستادم، آنحضرت سرم را گرفت و مرا به دست راست خود برد در حالیکه او در نماز بودند».

این حدیث دلالت مى‌کند که با دو نفر هم جماعت منعقد مى‌شود.

إمام مسلم/ در حدیث دیگرى روایت مى‌کند که ابن عباسب گفت: «فَأَقَامَنِى عَنْ يَمِينِهِ وَأَقَامَ الْمَرْأَةَ خَلْفَنَا»([[37]](#footnote-37)).

«پس مرا به دست راست خود برد، و زن یعنى أم المؤمنین میمونه را پشت سرمان قرار داد».

از شرحبیل روایت است که گفت: شنیدم جابر بن عبدالله مى‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِص يُصَلِّى الْمَغْرِبَ فَجِئْتُ فَقُمْتُ عَنْ يَسَارِهِ فَأَقَامَنِى عَنْ يَمِينِهِ»([[38]](#footnote-38)).

«شنیدم رسول اللهص نماز مغرب را مى‌خواندند، من آمدم و دست چپ او ایستادم، پس مرا به دست راست خود برد».

بعضى از آداب نماز جماعت

 اگر فردى داخل مسجد شد و نماز بر پا بود باید بلا فاصله به إمام اقتداء کند در هر حالیکه إمام بود، حال چه در أول نماز و یا در آخر آن باشد.

أبوهریرةس روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند: «ِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلاَةِ وَنَحْنُ سُجُودٌ فَاسْجُدُوا وَلاَ تَعُدُّوهَا شَيْئًا وَمَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلاَةَ»([[39]](#footnote-39)).

«اگر به نماز آمدید و ما را در حال سجـود دیدید شما هم به سجده بروید ولى آن را رکعتى ندانید، و کسی که به یک رکعت از نماز برسد، به نماز جماعت رسیده است».

از إمام چه در تکبیرة الإحـرام و چه در رکوع، و یا رفع از رکوع، و یا سجود، و یا رفع از سجود، و غیره سبقت نگیرید، زیرا این عمل حرام است و رسول اللهص از آن نهى فرموده‌اند.

از أنس بن مالکس روایت است که گفت: «صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِص ذَاتَ يَوْمٍ فَلَمَّا قَضَى الصَّلاَةَ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى إِمَامُكُمْ فَلاَ تَسْبِقُونِى بِالرُّكُوعِ وَلاَ بِالسُّجُودِ وَلاَ بِالْقِيَامِ وَلاَ بِالاِنْصِرَافِ فَإِنِّى أَرَاكُمْ أَمَامِى وَمِنْ خَلْفِى»([[40]](#footnote-40)).

«روزى رسول اللهص با ما نماز خواند، و وقتى از نماز سلام داد رو به ما کرد و فرمود: اى مردم من إمام شما هستم پس بر من سبقت و پیشى نگیرید، نه در رکوع، و نه در سجود، و نه در بلند شدن از رکوع و سجود، و نه در سلام دادن از نماز، از من سبقت وپیشى نگیرید، من شما را از جلو و پشت سر خود مى‌بینم».

از أبى هریـرهس روایت است که رسول اللهص فرمودند: «أَمَا يَخْشَى أَحَدُكُمْ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الإِمَامِ أَنْ يُحَوِّلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ»([[41]](#footnote-41)).

«آیا یکى از شما که قبل از إمام سرش را از سجده بلند مى‌کند، نمى‌ترسد خداوند سرش را به سر الاغ، و صورت و جسم او را به صورت و جسم الاغ تبدیل کند؟».

و از أبى هریرهس روایت است که رسول اللهص فرمودند: «إنَّمَا جُعِلَ الإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَإِذَا صَلَّى قَائِمًا فَصَلُّوا قِيَامًا وَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا وَإِذَا رَفَعَ فَارْفَعُوا وَإِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا رَبَّنَا وَلَك الْحَمْدُ وَإِذَا صَلَّى جَالِسًا فَصَلُّوا جُلُوسًا أَجْمَعُونَ»([[42]](#footnote-42)).

«إمام براى این است تا از او پیروى و متابعت شود، پس وقتى تکبیرة الإحـرام گفت شما نیز بعد از او تکبیرة الإحرام بگوئید، و اگر به رکوع رفت شما نیز بعد از او به رکوع بروید، و اگر بعد از بلند شدن از رکوع گفت سمع الله لمن حمده شما: ربنا ولک الحمد بگوئید، و اگر به سجده رفت، شما نیز به سجده بروید، و اگر نماز را در حال نشستن خـوانـد شما نیز همگى یتان نماز را در حال نشستن بخوانید».

عذرهايى كه مى‌شود با آن‌ها نماز جماعت را ترک كرد:

* شدت وزش بـاد، و باریدن باران، و سرماى خیلى سرد، و شدت گرماى ظهر.
* مریـض بـودن، و اینکه اگر بـه جماعت حاضر شد به او مشقت وارد مى‌شود.
* ترس از دشمن، مانند ترس از مال و جان و ناموس خود.
* فشار آوردن إدرار و مدفوع.

از عائشةل روایت است که گفت شنیدم رسول اللهص مى‌فرمایند: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلَا هُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ»([[43]](#footnote-43)).

«با حاضر شدن خوراک بر سفره نماز نیست، و همچنین اگر بر فردى إدرار و یا مدفوع فشار آورد نماز جماعت ساقط مى‌شود».

* خـوردن چیز بد بو مانند پیاز و سیر، و دلیل آن قبلاً ذکر کردیم.
* خواب بودن، و همچنین لخت و برهنه بودن، و غیر از اینها.

 فضيلت نماز جماعت:

 نماز جماعت فضیلت‌هاى بسیار زیادى دارد.

عبدالله بن عمرب روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند: «صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفرد بسبع وعشرين درجة»([[44]](#footnote-44)).

«نماز جماعت بر نماز فرد و تنهائى به بیست و هفت درجه فضیلت و برترى دارد».

پس چه بهتر از اینکه إنسان مؤمن همیشه با جماعت، و در مسجد نماز بخواند تا این فضیلت را کسب نماید.

إنسان هر گامى  که براى رفتن به مسجد بر مى‌دارد خداوند براى او أجر و پاداش مى‌نویسد.

أبوهریرهس روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند: «صَلاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تُضَعَّفُ عَلَى صَلاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَفِي سُوقِهِ خَمْساً وَعِشْرِينَ ضِعْفاً, وَذَلِكَ: أَنَّهُ إذَا تَوَضَّأَ, فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ. ثُمَّ خَرَجَ إلَى الْمَسْجِدِ لا يُخْرِجُهُ إلا الصَّلاةُ لَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إلا رُفِعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ, وَحُطَّ عَنْهُ خَطِيئَةٌ. فَإِذَا صَلَّى لَمْ تَزَلْ الْمَلائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ, مَا دَامَ فِي مُصَلاهُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ, اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ, اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ, وَلا يَزَالُ فِي صَلاةٍ مَا انْتَظَرَ الصَّلاةَ»([[45]](#footnote-45)).

«نماز فرد در جماعت بیست و پنج برابر نماز در خانه و بازار به أجر و پاداش او از إضافه مى‌شود، زیرا اگر بطور کامل وضوء گرفت سپس بسوى مسجد خارج شد، و خروج او فقط براى أداى نماز در مسجد بود، هر گامى  که بر مى‌دارد به أجر و پاداش و ثواب او یک درجه إضافه، و از گناه او یک سیئه کاسته مى‌شود، و وقتى نماز را خواند همچنان فرشتگان بر او درود مى‌فرستند تا وقتى در جاى نمازش مى‌باشد، اگر وضوى خود را باطل نکند، و فرشتگان مى‌گویند: بار إلهى بر او درود بفرست، بار إلهى او را رحمت کن، و او در حالت نماز است تا هنگامى  که منتظر نماز بعدى است».

وقتى إنسان در جماعت نماز مى‌خواند از ریاکارى و نفاق و دو روئى إیمن و پاک خواهد بود.

از عبدالله بن مسعودس روایت است که مى‌گوید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ غَدًا مُسْلِمًا، فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَؤُلاَءِ الصَّلَوَاتِ، حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ، فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْص سُنَنَ الْهُدَى، وَإِنَّهُنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى، وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ، كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُصَلِّي فِي بَيْتِهِ، لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ، وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطَّهُورَ، ثُمَّ يَعْمِدُ إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ هَذِهِ الْمَسَاجِدِ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً، وَيَرْفَعُهُ بِهَا دَرَجَةً، وَيَحُطُّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةً، وَلَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا، إِلاَّ مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ، وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ، يُهَادَى بَيْنَ رَجُلَيْنِ، حَتَّى يُقَامَ فِي الصَّفِّ»([[46]](#footnote-46)).

«کسی که مى‌خواهد خداوند را ملاقات کند در حالی که مسلمان است، پس بر این نمازها که براى آن أذان گفته مى‌شود محافظت کند، زیرا خداوند براى پیامبر شما سنت‌هائى که مردم را به راه مستقیم هدایت کند تشریع و قانون گذارى کرده، و این نمازها جزو این سنت‌هاست، و اگر نمازها را در خانه‌هایتان خواندید، همچنانکه این متخلف از نماز در خانه‌اش مى‌خواند، سنت پیامبرتان را ترک کرده اید، و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید گمراه خواهید شد، و مردى که وضوء را بطور کامل گرفته سپس به طرف مسجدى از این مساجد بحرکت آید، خداوند براى هر گامى  که بر مى‌دارد یک نیکى نوشته، و درجه اى او ثواب و أجر به او إضافه کرده، و گناهى از گناهان او کاسته مى‌کند، و در زمان پیامبرص هیچکس از نماز جماعت تخلف نمى‌کرد مگر منافقى که نفاق او ظاهر و آشکار بود، و در آن زمان دو طرف مرد مریض را مى‌گرفتند تا او را در صف نماز قرار دهند و با جماعت نماز بخواند».

از أبى هریـرهس روایت است که رسول اللهص فرمودند: «مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ فِى الْجَنَّةِ نُزُلاً كُلَّمَا غَدَا أَوْ رَاحَ»([[47]](#footnote-47)).

«کسی که صبح و شام بـراى نماز جماعت به طرف مسجد مى‌رود، هر اندازه به مسجد رود خداوند براى او در بهشت مهمانى فراهم مى‌کند».

از بریدةس روایت است که رسول اللهص فرمودند: «بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِى الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»([[48]](#footnote-48)).

«به کسانى که در تاریکى شب‌ها به مساجد مى‌روند بشارت بده که در قیامت از نورى کامل برخوردار خواهند شد».

فضيلت نماز صبح و عشاء:

 از عثمان بن عفانس روایت است که گفت شنیدم رسول اللهص مى‌فرماید: «مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِى جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِى جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ»([[49]](#footnote-49)).

«کسی که نماز عشاء را با جماعت بخواند، مانند اینکه نصفى از شب را در نماز گذرانده، و کسیکه نماز صبح را نیز با جماعت بخواند، مانند اینکه تمامى  شب را در نماز گذرانده است».

و أبوهریـرهس روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند: «لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِى الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا»([[50]](#footnote-50)).

«اگر مردم مى‌دانستند چـه ثواب و پاداشى در نماز عشاء و نماز صبح است به مسجد مى‌آمدند اگر چه بطور خزیدن باشد».

و در حدیث دیگر روایت مى‌کند که آن حضرتص فرمودند: «لَيْسَ صَلاَةٌ أثْقَلَ عَلَى المُنَافِقِينَ مِنْ صَلاَةِ الفَجْرِ وَالعِشَاءِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْواً»([[51]](#footnote-51)).

«هیچ نمازى بر منافقین مانند نماز صبح و عشاء سخت نیست و اگر مى‌دانستند چه أجـر و ثوابى در آن دو است به نماز حاضر مى‌شدند اگر چه بطور خزیدن باشد».

 فضيلت نماز صبح و عصر:

 أبو موسى الأشعرىس روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند: «مَنْ صَلَّى الْبَرْدَيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ»([[52]](#footnote-52)). «کسی که نماز صبح و نماز عصر را با جماعت بخواند داخل بهشت مى‌شود».

إمام الخطابى گوید: (بَرْدَین) نامیده شده است، زیرا در دو طرف روز یعنى أول و آخر آن وقتى هوا خوب مى‌شود و گرمى آن از بین مى‌رود خوانده مى‌شود.

أبوزهیر عمّار بن رؤیبةس روایت مى‌کند که گفت شنیدم رسول اللهص مى‌فرمایند:

«لَنْ يَلِجَ النَّارَ أَحَدٌ صَلَّى قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا. يَعْنِى الْفَجْرَ وَالْعَصْرَ»([[53]](#footnote-53)).

«کسی که قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبل از غروب آفتاب (یعنى نماز عصر) را بخواند داخل جهنم نمى‌شود».

جندب بن عبدالله بن سفیانس روایت مى‌کند که رسول اللهص مى‌فرماید: «مَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فَهُوَ فِى ذِمَّةِ اللَّهِ فَلاَ يَطْلُبَنَّكُمُ اللَّهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَىْءٍ فَيُدْرِكَهُ فَيَكُبَّهُ فِى نَارِ جَهَنَّمَ»([[54]](#footnote-54)).

«کسی که نماز صبح را در جماعت بخواند در حفظ و أمان خداست، پس اى بنى آدم کارى مکن که خداوند تو را بازخواست کند و در حفظ و أمان او نباشى، و به این خاطر تو را به جهنم داخل کند».

أبوهریرهس روایت مى‌کند که رسول اللهص فرمودند: «يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ وَيَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَصَلَاةِ الْعَصْرِ ثُمَّ يَعْرُجُ الَّذِينَ بَاتُوا فِيكُمْ فَيَسْأَلُهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ كَيْفَ تَرَكْتُمْ عِبَادِي فَيَقُولُونَ تَرَكْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ وَأَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ»([[55]](#footnote-55)).

«فرشتگانى پى در پى بر شما وارد مى‌شوند، گروهى شب مى‌آیند و گروهى روز مى‌آیند، و این‌ها صبح و عصر با هم یک جا جمع مى‌شوند، سپس آنانی که شب را با شما گذرانده‌اند به طرف آسمان بالا مى‌روند، خداوند در حالیکه حال انسان‌ها را از فرشتگان بهتر مى‌داند از آن‌ها سؤال مى‌کند: چگونه و در چه حالى بندگانم را ترک کردید؟ آن‌ها مى‌گویند: آن‌ها را ترک کردیم در حالیکه نماز مى‌خواندند، و به آنان وارد شدیم درحالیکه نماز مى‌خواندند».

جریر بن عبدالله البجلىس روایت مى‌کند شب چهاردهمى  بود که نزد رسول اللهص نشسته بودیم و آن حضرت به ماه نگاهى کرد و فرمود: «إِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ هَذَا الْقَمَرَ لاَ تُضَامُّونَ فِى رُؤْيَتِهِ، فَإِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ لاَ تُغْلَبُوا عَلَى صَلاَةٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَصَلاَةٍ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ، فَافْعَلُوا»([[56]](#footnote-56)).

«همانا همه شما یعنى مؤمنان خدا را خواهید دید، همچنانکه همه شما این ماه شب چهاردهم را مى‌بیند و در دیدن آن هیچ مزاحمت و مانعى براى شما ایجاد نمى‌شود، پس اگر توانستید که بر شما نمازى قبل از طلوع آفتاب یعنى نماز صبح و نمازى قبل از غروب آفتاب یعنى نماز عصر غلبه نکند این کار را بکنید»([[57]](#footnote-57)).

از بریدهس روایت است که رسول اللهص فرمودند: «من ترك صلاة العصر فقد حبط عمله»([[58]](#footnote-58)).

«کسی که نماز عصر را عمداً ترک کند تمام أعمال و کردار او باطل مى‌شود».

والله ولى التوفيق وآخر دعوانا أن الحمدلله رب العالـمين.

وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين

1. - براى آگاهى بیشتر و بهتر به قصه مسجد ضرار به تفاسیر معتبره مانند تفسیر ابن کثیر و تفسیر ابن جریر طبری و غیره مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-1)
2. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-2)
3. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-3)
4. - رواه مسلم حدیث رقم 654، 1/453. [↑](#footnote-ref-4)
5. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-5)
6. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-6)
7. - أخرجه أحمد في الـمسند 5/346، والترمذی 5/13 ـ 14، حدیث 2621، والنسائي في السنن 1/231-232، وابن ماجه في السنن حديث 1079، وصحيح سنن ابن ماجه 1/177، حدیث 884، وابن حبان في صحيحه، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي 1/6 -7. [↑](#footnote-ref-7)
8. - مجموع فتاوى شیخ الإسلام ابن تیمیة 22/40. [↑](#footnote-ref-8)
9. - خسوف: گرفتن ماه، یا از نظر پنهان شدن ماه در شب‌هائى که باید ماه دیده شود، در فارسى: ماه گرفتگى، و ماه گرفت هم مى‌گویند. (فرهنگ عمید). [↑](#footnote-ref-9)
10. - کسوف: گرفته شدن آفتاب، تاریک شدن قرص خورشید. (فرهنگ عمید). [↑](#footnote-ref-10)
11. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-11)
12. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-12)
13. - کنـز العمال - كتاب الصلاة من قسم الأفعال- الباب الخامس في الجماعة وفضل‌ها وأحكام‌ها - فصل في فضل‌ها - رقم الرواية 22795-8/252. [↑](#footnote-ref-13)
14. - مراجعه شود به کتاب: الصلاة وحكم تاركها لابن القيم الجوزية ص 403 ـ 404، وکتاب: مجموعة رسائل في الصلاة ص 148. [↑](#footnote-ref-14)
15. - مصنف ابن أبي شيبة، كتاب الصلوات، من قال إذا سمع الـمنادي فليجب 1/345، والأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن الـمنذر، كتاب الإمامة، ذكر تخوف النفاق على تارك شهود العشاء والصبح جماعة، رقم الرواية 1905، 4/137، والمحلى لابن حزم 4/274. [↑](#footnote-ref-15)
16. - مصنف ابن أبي شيبة 1/345، والأوسط لابن الـمنذر 4/136 رقم الرواية 1902، والـمحلى لابن حزم 4/274. [↑](#footnote-ref-16)
17. - مصنف ابن أبي شيبة 1/345، والأوسط لابن المنذر 4/136 رقم الرواية 1901. [↑](#footnote-ref-17)
18. - عبدالرزاق في الـمصنف رقم الحدیث 1915-1/497-498 ومصنف ابن أبي شيبة 1/345، والأوسط لابن الـمنذر 4/137 رقم الرواية 1907، والـمحلى لابن حزم 4/274-275. [↑](#footnote-ref-18)
19. - الأوسط لابن الـمنذر 4/138، والمغنی لابن قدامه 3/5، تفسیر القرطبی 1/439، فقه الإمام أبی ثور لسعدی حسین علی جبر ص 221. [↑](#footnote-ref-19)
20. - کتاب الأم للشافعی 1/154. [↑](#footnote-ref-20)
21. - الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن الـمنذر 4/137. [↑](#footnote-ref-21)
22. - رواه أبوداود 1/373 حدیث رقم 551، وصحيح سنن أبي داود 1/164، وابن ماجه حدیث 793 - 1/260، وصحيح سنن ابن ماجه حدیث 645، 1/132، والدارقطني في السنن 1/420، والحاكم في الـمستدرك 1/246، وغیرهم. [↑](#footnote-ref-22)
23. - رواه ابن ماجه حدیث رقم 793، صحيح سنن ابن ماجه 1/132، ابن الـمنذر في الأوسط حدیث رقم 1898-4/135، وابن حبان في (الإحسان) حدیث رقم 2064- 5/415، والحاكم وصححه 1/245، وإرواء الغليل 2/337 وغیرهم. [↑](#footnote-ref-23)
24. - رواه أحمد في الـمسند 5/196، وأبو داود حديث رقم 543، وصحيح سنن أبي داود حدیث 547-1/162، (عون المعبود) 2/251، والنسائي في السنن 2/ 106-107، وصحيح سنن النسائي حديث 8461/281، وصحيح ابن خزيمه حدیث 1486، 2/371، والحاكم في الـمستدرك 1/245، وغیرهم. [↑](#footnote-ref-24)
25. - رواه أبوداود 1/38 حدیث رقم 562 (عون الـمعبود) 2/268 ـ 269، وصحيح سنن أبي‌داود 1/168. [↑](#footnote-ref-25)
26. - زیرا گره زدن بین دست‌ها از صفات تنبلى و کسالت مى‌باشد. [↑](#footnote-ref-26)
27. - رواه مسلم في كتاب الإيمان حدیث رقم 91. [↑](#footnote-ref-27)
28. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-28)
29. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-29)
30. - رواه مسلم في كتاب الـمساجد 1/420 باب 38 حدیث 602. [↑](#footnote-ref-30)
31. - مانند کتاب الأذكار إمام نووی، وحصن المسلم، وغیر از این‌ها. [↑](#footnote-ref-31)
32. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-32)
33. - رواه أحمد وأبوداود حدیث 676، 2/372، وصحيح سنن أبي‌داود 1/199، وانظر فتح الباري 2/213، سنن الكبرى للبيهقي 3/103، والترغيب والترهيب 1/320، وغیرهم. [↑](#footnote-ref-33)
34. - رواه أبو داود صحيح سنن أبي داود حدیث 554، 1/165 وصحيح نسنن النسائي حدیث 842، والحاكم وصححه 3/269. [↑](#footnote-ref-34)
35. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-35)
36. - میمونه یکى از أمهات المؤمنین و همسر رسول اکرمص مى باشد. [↑](#footnote-ref-36)
37. - متفق عليه. [↑](#footnote-ref-37)
38. - رواه ابن ماجـه 1/175، صحيح سنن ابن ماجه حدیث 794، 1/160. [↑](#footnote-ref-38)
39. - رواه أبوداود 1/553، صحيح سنن أبي داود حدیث 893، 1/252، والدارقطني في السنن 1/347، والبيهقي في الكبرى 2/89، والحاكم في الـمستدرك 1/216. [↑](#footnote-ref-39)
40. - رواه مسلم في كتاب الصلاة باب 25 تحريم سبق الإمام بالركوع أو السجود ونحوه حديث رقم 112 (426). [↑](#footnote-ref-40)
41. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-41)
42. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-42)
43. - رواه مسلم في كتاب الـمساجد باب 16 حدیث رقم 67 (560)، وانظر شرح السنة للبغوي 3/359. [↑](#footnote-ref-43)
44. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-44)
45. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-45)
46. - رواه أحمد 1/415، 419، ومسلم کتاب حدیث 256 (654) 1/453، وأبو داود، صحيح سنن أبي داود حدیث 550، 1/163 ـ 164، وصحيح سنن النسائي حدیث 848، 1/281. [↑](#footnote-ref-46)
47. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-47)
48. - رواه أبوداود حدیث 561، وصحيح سنن أبي داود 1/168، وابن ماجه 1/140، صحيح سنن ابن ماجه حدیث 633، 1/130، الترغيب والترهيب 1/212، والترمذي حدیث 223، 1/435. [↑](#footnote-ref-48)
49. - رواه أحمد في المسند حدیث 409، 1/468 الـموسوعة الحديثية، و مسلم حدیث 260 (656)، 1/454، والترمذي حدیث 221، 1/433 [↑](#footnote-ref-49)
50. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-50)
51. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-51)
52. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-52)
53. - رواه أحمد في الـمسند 4/136، 261، ومسلم حدیث 213 (634)، 1/440، و أبوداود، صحيح سنن أبي‌داود حدیث 427، 1/126. [↑](#footnote-ref-53)
54. - رواه مسلم حدیث 213 (634) 1/440. [↑](#footnote-ref-54)
55. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-55)
56. - متفق علیه. [↑](#footnote-ref-56)
57. - رؤیت و دیدن باریتعالى دیدن حقیقى است که فقط براى مؤمنان در روز قیامت امکان پذیر است، بر خـلاف بعضى از فرق‌هاى ضاله و گمراه که در دیدن خداوند در روز قیامت ممانعت مى‌ورزند و مى‌گویند دیدن حقیقى امکان پذیر نیست، أما عقیده أهل سنت و جماعت بر این است که دیدن خداوند در روز قیامت فقط براى مؤمنان امکان پذیر خواهد بود. [↑](#footnote-ref-57)
58. - رواه البخاري حدیث 553 و 594، (الفتح 2/31)، صحیح سنن النسائی حدیث 473، 1/159، وصحیح سنن ابن ماجه حدیث 568، 1/115. [↑](#footnote-ref-58)